یادداشت

حق بهداشت برای همه کودکان سرزمین من

مژگان قطان | وکیل و عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان

گزارشات تکان‌دهنده‌ای که هرازگاهی در رسانه‌ها در خصوص وضع رقت‌بار زندگی کودکان سرزمینمان انتشار می‌یابد گاه خیلی زود و گذرا از اذهان محو می‌گردد و گاه سپرده می‌شود به دولتمردان و سازمان‌های مسئول که در این وادی، اندیشه و تدبری کنند. آیا حق بهداشت کودکانمان امری دست‌نیافتنی است؟ آیا در مقررات حقوقی داخلی و بین‌المللی تعهدی برای دولت‌ها در این خصوص وجود ندارد؟ و اساسا چه تعریفی از حق بهداشت وجود دارد و تا چه اندازه این مفهوم در جامعه‌مانهادینه‌شده‌است؟

سازمان بهداشت جهانی، بهداشت را چنین تعریف می‌کند: بهداشت عبارت است از علم و فن پیشگیری از بیماری‌ها، افزایش طول عمر، آموزش بهداشت فردی به اشخاص، ارایه خدمات پزشکی و پرستاری به‌منظور تشخیص فوری درمان، توسعه و تکمیل خدمات اجتماعی جهت رفع نیازمندی‌های مردم و تأمین وسایل زندگی به‌نحوی که هر فرد بتواند از سلامت و طول عمر بیشتری برخوردار شود. بهداشت، حالت بهبود و سلامت کامل جسمانی و روانی و اجتماعی است و تنها به فقدان بیماری یا عدم نقص عضو محدود نمی‌شود. لکن به‌رغم این تعریف نسبتا جامع، بر طبق آخرین ارزیابی سازمان بهداشت جهانی با کمک یونیسف که در سال ۲۰۱۳ ارایه شده است حدود ۳۵ درصد مردم جهان- ۲/۵ میلیارد نفر- از امکانات بهداشتی محروم هستند و ۷۶۸ میلیون نفر آب ناسالم مصرف می‌کنند. شایان ذکر است که در اسناد و قوانین بین‌المللی و حقوق بشر همواره حق بهداشت و سلامت کانون توجه بوده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی، ماده ۲۴ پیمان نامه حقوق کودک، ماده ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان، ماده ۵ کنوانسیون منع تبعیض نژادی، اساسنامه سازمان بهداشت جهانی و دیگر اسناد منطقه‌ای اشاره کرد. برای نمونه بند ۲ ماده ۱۲ میثاق تصریح دارد که «بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات» از جمله تعهدات دولت‌ها محسوب شده و ماده ۲۴ پیمان‌نامه حقوق کودک برخورداری از بالاترین استاندارد بهداشت را از جمله وظایف دولت‌ها می‌داند. این مهم در قانون اساسی کشور ما نیز مغفول نمانده است و در اصول ۳-۴۳ صراحتا بدان پرداخته شده است. حال با توجه به آن که خوشبختانه در این خصوص خلائی از منظر مقررات بین‌المللی و داخلی به چشم نمی‌آید چرا باید در پایتخت سرزمینمان و در جای جای میهن عزیزمان کودکانی همچنان در خلأ نیاز اساسی خود، بهداشت فردی و محیطی به‌سر ببرند. آیا با یک برنامه اجرایی و تلاش منسجم فرهنگی همراه با آموزش مناسب نمی‌توان حداقل شرایطی را فراهم آورد که کودک خود بداند و آگاهی یابد که بهداشت و تندرستی او از حقوق اولیه‌اش به شمار می‌رود. نمی‌توان به او یاد داد در شرایطی که والدین‌اش، مسئولان و جامعه چشم به روی نیازهای ابتدایی او بسته‌اند خود اوست که باید نگران سلامت و بهداشت فردی‌اش باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که آموزش و ارتقای سطح آگاهی راه چاره اولیه و نسبتاً کم هزینه‌ای برای رفع این مشکل به شمار آید.

شایعاتِ «اسید»

جامعه‌شناسان: اطلاع‌رسانی غیرشفاف دلیل به راه افتادن شایعات مختلف درباره اسیدپاشی‌هاست

شهروند| شایعه پشت شایعه است که می‌رسد. یکی می‌گوید از خانه بیرون نروید، اسیدپاش‌ها منتظر شما هستند. یکی می‌گوید تعداد زنانی که در روزهای گذشته در اصفهان به آنها اسیدپاشی شده، خیلی بیشتر از اینهاست و یکی از ناامنی خیابان‌های تهران از حضور اسیدپاشان حرف می‌زند.

هفته‌ای که گذشت پراتفاق بود و پرشایعه. خبر این بود: اسیدپاشی به ۴ زن در اصفهان توسط افرادی ناشناس و بعد شایعه‌ها از راه رسیدند و هر روز وارد فاز جدیدی شدند. اینها فقط نمونه‌هایی از پیام‌هایی است که این روزها در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود: «پلیس ۱۱۰ با اقدامات فراوان خود و با چهره‌نگاری ۶ نفر از اسیدپاشان را در ابتدای خیابان منوچهری اصفهان دستگیر کرده و به کلانتری ۱۴ سیدعلی خان بردند. این افراد در این کلانتری به جرم خود اعتراف کردند. پلیس ۱۱۰ در مراحل لازم در حال بررسی و دستگیری این گروه در روزهای آینده است.»

این پیام دیگری است که در نرم‌افزار ارتباطی وایبر انعکاس گسترده‌ای داشته و از زبان رئیس آگاهی استان اصفهان نقل شده است: «به استحضار می‌رساند از اکنون به بعد در سطح استان پهناور اصفهان تا اطلاع ثانوی هیچ‌کدام از ارگان‌های دولتی از قبیل آب، برق، تلفن یا خرابی و خدمت‌رسانی انجام نخواهد گرفت، زیرا مجرمان اسیدپاشی اخیر استان به دلیل بالا رفتن سطح امنیت استان نمی‌توانند در ملأعام دست به این عمل زشت بزنند و از این طریق با معرفی خود به‌عنوان شرکت‌های ذکرشده برای بازدید کنتورهای ارقام بالا، دست به کار شده‌اند. از همه شهروندان خواهشمندیم از باز کردن در منزل خودداری کرده و به پلیس ۱۱۰ اطلاع دهید. از تردد بیهوده در سطح شهر تا اطلاع ثانوی اکیدا خودداری می‌شود.»

مسئولان انتظامی اما در چند روز گذشته این شایعات را تکذیب کرده‌اند؛ شایعاتی که فقط به اسیدپاشی‌های احتمالی بعدی محدود نمی‌شود و درباره تعداد واقعی زنان قربانی اسید و تعداد اسیدپاش‌ها در اصفهان است. یکی از این شایعات البته حالا به واقعیت تبدیل شده است. بعد از آن که در چند روز گذشته در خبرهای غیررسمی گفته می‌شد تعداد زنانی که مورد اسیدپاشی قرار گرفته‌اند بیشتر از چهار نفری است که پلیس اعلام کرده، حالا این اسماعیل احمدی‌مقدم است که گفته در ماه‌های اخیر هفت یا هشت مورد اسیدپاشی در اصفهان رخ داده است: «صحبت‌هایی که با قربانیان این حادثه شده سرنخ‌هایی به دست آمده و تعدادی فرد مظنون نیز شناسایی شدند، ولی هنوز انگیزه فرد یا افراد معلوم نیست. براساس اظهارات قربانیان در چند روز اخیر به نظر می‌رسد ضارب یک نفر بوده که پیگیری نیروی انتظامی برای شناسایی ضارب ادامه دارد.» این درحالی است که رسول یاحی، معاون سیاسی امنیتی استاندار اصفهان گفته تنها همان چهار مورد اسیدپاشی در اصفهان رخ داده و موارد ذکرشده دیگر کاملاً شایعه است: «مردم نباید به هیچ وجه در موضوع اسیدپاشی به رسانه‌های خارجی توجه کنند، چرا که این رسانه‌ها مسأله را بسیار بزرگ‌نمایی کرده‌اند.» او به مردم گفته به مسئولان اعتماد کامل داشته باشند و موضوع اسیدپاشی در اصفهان آن‌قدر بزرگ نیست که آن را بزرگ جلوه داده‌اند.

این توصیه‌ها اما باعث نشده تا بازار شایعات درباره اسیدپاشی‌ها سرد شود؛ شایعاتی که به نظر می‌رسد تعداد زیادی از مردم آنها را باور کرده‌اند. حالا این جامعه‌شناسان هستند که می‌گویند باید راهی برای مقابله با این شایعات پیدا کرد.

«ناصر قاسم‌زاده»، مدیرعامل انجمن حمایت از سلامت و بهداشت روان جامعه یکی از آنهاست. او در گفت‌وگو با «شهروند» درباره دلایل به راه افتادن شایعات درباره اسیدپاشی‌ها می‌گوید: «وقتی اضطراب در جامعه زیاد باشد، شرایط برای بروز اضطراب و هیجان منفی در مردم بیشتر می‌شود و زمینه برای شایعه‌پراکنی در این موارد هم اوج و شدت بیشتری می‌گیرد. به نظر می‌آید بخشی از این مطلب به این برمی‌گردد که امنیت اجتماعی در بعضی از سطوح خیلی پایین است و زمینه فراهم می‌شود که مردم احساس امنیت عمومی را نداشته باشند. مثلا در روز ما شاهد موارد زیادی مثل کیف‌قاپی، سرقت از ماشین‌ها و ... هستیم که تقریبا عادی شده و ما این را به‌عنوان یکی از مسائلی که هر روز داریم می‌بینیم در اطرافمان با آن کنار آمده‌ایم اما این کنار آمدن دال بر پذیرش نیست. به هر حال ما داریم با یک نگاه ترس‌آمیز با این موضوع زندگی می‌کنیم. معمولا هم می‌بینیم که مالباختگان به نتیجه درستی نمی‌رسند و معمولا شکایتشان را نصفه و نیمه رها می‌کنند.» او ادامه می‌دهد: «این باعث می‌شود که شرایط اضطراب عمومی در کلانشهرها بیشتر شود و وقتی چنین اتفاقاتی مثل اسیدپاشی رخ می‌دهد، بستر عمومی جامعه آن ناامنی را با خود حمل می‌کند و آن را تعمیم می‌دهد. بخشی از سلامت اجتماعی را دولت‌ها موظفند برای شهروندان مهیا کنند که یکی از ارکان اساسی آن امنیت اجتماعی است و وقتی دستگاه‌های اجتماعی ما در این زمینه ضعیف عمل می‌کنند شرایط برای بروز شایعه‌پراکنی و ایجاد ترس بیشتر برای شهروندان مهیا می‌شود. مثلا گاهی می‌بینیم مسئولان نیروی انتظامی می‌گویند اگر کسی از شما کیفتان را خواست به او بدهید تا اتفاقی برایتان نیفتد؛ من فکر نمی‌کنم هیچ جای دنیا به مردم چنین اطلاع‌رسانی کنند. پلیس باید به وظیفه‌اش عمل کند و به مردم یاد بدهد که نترسند.»

قاسم‌زاده می‌گوید: «امروزه در کشورهای پیشرفته ضریب امنیتی توسط دولت‌ها در سطح استانداردهای بسیار بالایی رعایت می‌شود به نحوی که ما شاهد حضور کمرنگ‌تر پلیس در سطح جامعه هستیم اما قدرت اجرایی بیشتر و حضور موثرتر آن در سوح مختلف در جوامعیم. جامعه ما به واسطه جوان بودن حدود ۴۰ میلیون نفر افراد زیر ۳۰ سال می‌تواند از زمینه آسیب‌های اجتماعی بیشتری برخوردار باشد و به واسطه آن باید از روش‌های تامینی برای حفظ سلامت شهروندان برخوردار باشد. به نظر می‌آید باید طرحی نو درانداخت که در آن اعتماد عمومی بین لایه‌های عمومی و شهروندان از نو بازسازی شده و در عین حال به نیازهای عمومی شهروندان به‌طور جدی توجه شود.» او وجود نداشتن اطلاع‌رسانی شفاف درباره اسیدپاشی‌ها توسط مسئولان رسمی را از دلایل به راه افتادن شایعات مختلف در این‌باره بین مردم می‌داند: «ما الان اطلاع‌رسانی شفاف نداریم که این اتفاق دقیقا چه بوده است. آیا یک باند هستند یا موضوع چیز دیگری است. در جوامعی که آمار و ارقام جوانان بیشتر است، نهادهای اجتماعی، نظارتی، تربیتی و فرهنگی برای پاسخگویی به نیازهای آنها وظایف سنگین‌تری برعهده دارند. گاهی اوقات ما شاهد بروز پدیده‌هایی از این قبیل در قالب گروه‌هایی که دارای ویژگی‌های خاص بزهکاری‌اند هستیم که باید در جای خود بررسی و چاره‌جویی شود. به هر ترتیب پیشگیری بهتر از درمان است. پاسخگو بودن به نیازهای افراد در سطوح مختلف و در فرآیند رشد انسان از وظایف اصلی نهادهایی مانند خانواده، مدارس، دانشگاه‌ها و دستگاه‌های دولتی حاکم در جامعه است. متاسفانه ما در این قبیل موارد شاهد اطلاع‌رسانی دیرهنگام و غیرشفاف توسط مسئولان مربوطه به شهروندان هستیم و این باعث پخش بیشتر شایعات بین مردم می‌شود.»

عکس: امیر حجیدی/ شهروند

مرکز نامعلوم شایعات و سرگردانی برای مردم

«سعید معیدفر»، جامعه‌شناس هم در گفت‌وگو با «شهروند» دلایل مختلفی برای وجود شایعات مختلف درباره اسیدپاشی‌ها در کشور سهیم می‌داند: «شایعه دو مبنا می‌تواند داشته باشد: یک حرکت اجتماعی به آن معنا که می‌خواهد بر حوادث اسیدپاشی در اصفهان تمرکز کند و به جامعه و افراد پیام دهد درباره این که این مسأله یعنی اسید پاشیدن به‌عنوان یک امر ناهنجار، بدبودنش افکار عمومی را تحت‌تأثیر قرار داده و خود همین باعث شود که اگر قرار است چنین اتفاقی جای دیگری بیفتد با این حرکت تقریبا خنثی شود. از طرف دیگر بروز این شایعه می‌تواند به‌نحوی زمینه‌های استمرار چنین حرکتی را از بین ببرد و افکار عمومی علیه چنین اقدامی شکل بگیرد. همچنین بروز این شایعه می‌تواند از سوی کسانی هم باشد که می‌خواهند ترسی را در میان زنان ایجاد کنند که خودشان را جمع و جور کنند، یعنی به عبارتی بگویند مواظب باشید، اگر مراقب رفتار خودتان نباشید ممکن است این اتفاق برای شما هم بیفتد. به هر حال مرکز این شایعات معلوم نیست.»

او ادامه می‌دهد: «متاسفانه در جامعه‌ای که اطلاع‌رسانی به‌طور شفاف از طرق معمول به خوبی انجام نمی‌گیرد و محدودیت‌ها و مشکلاتی برای رسانه‌ها هست، در این جا شایعه اهمیت پیدا می‌کند و خودش رسانه بسیار بزرگی می‌شود. این جا نمی‌شود به ضرس قاطع دلایل رواج این شایعه را فهمید مگر این که آدم این پیام‌ها را دقیق‌تر بخواند و اثرگذاری این پیام‌ها را ببیند تا حقیقت را پیدا کند. این شایعات دو پیام می‌تواند داشته باشد: این که حساسیت عمومی بین مردم ایجاد شود. یعنی این بحث اسیدپاشی اگر تا حالا پیامش برای عده‌ای هنوز نرسیده، پیام به دورترین نقاط برود و انزجار از این کار به عبارتی خودش را بیشتر نشان دهد و اگر جایی هم قرار است این اتفاق بیفتد با افکار عمومی خنثی شود. از طرف دیگر ترس و وحشت هم ایجاد می‌کند. این که مردم چه کنند در مقابل این شایعات، ما نمی‌توانیم بگوییم. بالاخره وقتی مرجع اطلاعات، کانال شایعه باشد نمی‌توان روی او اثرگذاشت، به‌خصوص اگر شایعه قوی و اثرگذار باشد.»

به عقیده این جامعه‌شناس درحال حاضر شرایطی ایجاد شده که افراد در این‌باره مستاصل شده‌اند: «مردم و تا حدی مسئولان نمی‌دانند باید با چه نگاهی به این قضیه نگاه کنند. آیا باید این مسأله را حقوقی بدانند یا یک مشکل اجتماعی و به همین دلیل شرایط شفاف صحبت کردن در این‌باره وجود ندارد. همین بلاتکلیفی باعث شده که شایعات هم اوج بگیرد و کسی هم خیلی شفاف درباره آنها صحبت نکند. ما نمی‌دانیم مرجع این شایعات چیست، آیا گروه‌های فشارند یا بعضی جریان‌های اجتماعی و به همین دلیل به‌طور دقیق نمی‌توان درباره راه‌حل این شایعات صحبت کرد.»

شایعات و نقش صداوسیما

«حبیب آقابخشی»، آسیب‌شناس اجتماعی امانقش صداوسیما را در این موضوع مهم می‌داند. او می‌گوید: «رسانه ملی باید کاری کند که اعتماد شهروندان را به خود جلب کند تا من شهروند اولین خبرها را از رسانه خودم بشنوم، نه این که به سمت دروغ بروم. اگر رسانه ملی مردم را نسبت به معضلات اجتماعی آگاه‌تر کند، یک شهروند دیگر به رسانه‌های خارجی اعتماد نمی‌کند. قطعا آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی در برابر معضلات اجتماعی آفت‌ها را کمتر و به نوعی سلامت قربانیان را تضمین می‌کند.» او ادامه می‌دهد: «به‌عنوان مثال من نوعی، به‌عنوان یک شهروند انتظار دارم قبل از این که رسانه‌های خارجی با آب و تاب و جهت‌گیری‌های سیاسی اخبار کشورم را بازگو کنند، رسانه ملی خودم وارد میدان شود؛ این درحالی است که اکثر افراد از طریق اخبار شبکه‌های ماهواره‌ای از مسأله اسیدپاشی اخیر در اصفهان مطلع شده بودند که در این شرایط باید حواسمان به جهت‌گیری‌های رسانه‌های خارجی باشد؛ چرا که ممکن است حتی آدم‌هایی که دوستمان نیستند، دست به اقداماتی مثل اسیدپاشی بزنند که به حساب ما گذاشته شود.»

طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان منکر از نگاه حقوقدانان

طرحی که سردرگمی و تنش را در جامعه زیاد می‌کند

۲۰ دستگاه متولی کنترل حجاب و عفاف در کشور هستند که با تصویب این طرح، بین دستگاه‌ها سردرگمی و بی‌نظمی ایجاد می‌شود

شهروند| نمایندگان مجلس شورای اسلامی دیروز بندهایی از قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان منکر را تصویب کردند. قانونی که، حواشی بسیاری داشته و موافقان و مخالفان بی‌شماری را با خود همراه کرده است. موافقانی که همچنان نهی و منع را راهکار حل بی‌حجابی می‌دانند و مخالفانی که صراحتا چنین طرح‌هایی را شکستن حریم خصوصی و دادن اختیار بدون ضابطه به افراد می‌نامند. مخالفت‌ها با طرح و تصویب این طرح نتیجه‌ای نداشت و نمایندگان مجلس، ماده ۱ طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر را به تصویب رساندند که براساس آن تعریف معروف و منکر مشخص شد. در ماده ۱ طرح آمده است، معروف و منکر عبارتند از هرگونه فعل و قول و یا ترک فعل و قولی که در شرع مقدس، قوانین و عرف متشرعه مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد. در تبصره این ماده نیز آمده است در مورد اختلاف در احکام شرعی، نظر ولی امر مسلمین ملاک عمل است. براساس مصوبه مجلس در این طرح، امر به معروف و نهی از منکر، ناظر به رفتاری است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد. اما ماده ۴ طرح، جزو موادی بود که مورد نقد قرار دارد و به گفته برخی حقوق دانان، ناقض حقوق فردی و خصوصی افراد است و موجب افزایش برخورد فیزیکی بین افراد جامعه می‌شود. در این ماده اشاره شده که مراتب امر به معروف و نهی از منکر قلبی، زبانی، نوشتاری و اقدام عملی است که مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه آحاد مردم و دولت است و اقدام عملی آن تنها وظیفه دولت است مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری تعیین کرده باشند.

به گفته «مزین» حقوقدان، در این قانون هر فردی می‌تواند به فرد دیگری تذکر بدهد و در امور شخصی افراد دخالت کند. این مسأله، موجب برخورد فیزیکی بین شهروندان می‌شود و از این پس شاهد ازدیاد پرونده‌های برخورد فیزیکی و زبانی بین شهروندان با ناهیان منکر خواهیم بود. او ادامه می‌دهد: «تصویب قوانین اینچنینی، علاوه بر این که نقض حریم خصوصی است، موجب گسترش اقدامات خودسرانه و برداشت‌های سلیقه‌ای از تعالیم دینی است. کشور ما جامعه‌ای کثیر الملله است که ادیان مختلف در آن زندگی می‌کنند. توسعه دادن اختیار افراد فاقد سمت برای ورود به حریم خصوصی شهروندان، مشکلات عدیده‌ای به‌وجود می‌آورد.»

مزین با اشاره به این که اکنون ۲۰ دستگاه متولی کنترل حجاب و عفاف در کشور هستند که با تصویب چنین قوانینی بین این دستگاه‌ها هم سردرگمی و بی‌نظمی ایجاد می‌شود، به «شهروند» می‌گوید: «تشکیل این قوانین موجب افزایش سردرگمی و اختلاف‌نظر در برخورد با شهروندان خواهد بود. دستگاه قانونگذاری نباید قوانینی تصویب کند تا براساس آن افرادی با اختیارات گسترده، حقوق فردی و حریم خصوصی شهروندان را عرصه تاخت و تاز و دخالت خود قرار دهند.»

حریم خصوصی و حقوقی افراد، ماده دیگری بود که در این طرح به آن پرداخته شد. نمایندگان مجلس در ماده ۵ مصوب کردند که در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان معترض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر به حکم مرجع قضایی یا به موجب قانون. همچنین براساس این مصوبه، اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی موضوع این قانون نیست.

مزین در خصوص ماده ۵ این قانون هم می‌گوید: «راه‌پله‌ها مشاعات است و غیر از سکنه ساختمان کسی نمی‌توانند نسبت به امور آن دخالتی بکنند. تلقی کردن راه‌پله‌ها به‌عنوان حریم عمومی، برخلاف قانون ثبت و قانون تملک است. طبق قوانین جاری کشور، راه‌پله‌ها جزو مشاعات بوده و به جز سکنه افراد دیگری حق دخالت در امور مربوط به آن را ندارند. قطعا افرادی موسوم به آمر به معروف نمی‌توانند در امور مربوط به مشاعات دخالت کنند.» او با تأکید بر این که این قانون باعث سوءاستفاده افراد از آن می‌شود، ادامه می‌دهد: «امور اجرایی و قضایی باید توسط دولت انجام شود. نه این که هر شهروندی بدون این که آموزشی دیده باشد، مجری قانون شود و به زندگی اشخاص ورود کند. این موضوع تنش را افزایش می‌دهد.»

این حقوقدان با اشاره به این که مجلسی‌ها باید به مسائلی ورود کنند که مورد نیاز زنان است، یادآور می‌شود: «مجلسی‌ها باید به مسائلی همچون حمایت از زنان بی‌سرپرست، حمایت از زنان بدسرپرست که مورد استثمار همسران خود قرار دارند و هیچ اقدامی برای رهایی نمی‌توانند بکنند و حق برابری زنان بپردازند. این اقدام مجلسی‌ها کمکی به حل مشکلاتی که زنان با آن روبه‌رو هستند، نمی‌کند.» نمایندگان همچنین در ماده ۶ این طرح مصوب کردند، هیچ شخص یا گروهی حق ندارد به‌عنوان امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه از قبیل توهین، افترا، ضرب، جرح و قتل مبادرت نماید، مرتکب طبق قانون مجازات اسلامی مجازات می‌شود. تعیین حد و حدود برای آمران به معروف و ناهیان از منکر در حالیست که در ماده ۷ از آنها حمایت شده و این حمایت مورد انتقاد حقوقدانان قرار دارد. در ماده ۷ آمده که اگر مجازات اشخاصی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر نمایند، قابل تعویق، تخفیف یا تعلیق نیست. مزین معتقد است این موضوع مورد سوءاستفاده افراد قرار می‌گیرد و بسیاری هر دعوا یا بحثی را برای آن که حق را به خود دهند در محاکم عمومی به امر به معروف و نهی از منکر نسبت می‌دهند از این ماده قانونی سوءاستفاده می‌کنند. «مصطفی ترکی همدانی»، حقوقدان هم معتقد است، «تصویب برخی از مواد این قانون در قوانین کشور وجود داشته و تصویب آن ضرورتی نداشته است. ما در قوانین خود داریم که اگر شخصی به شخص دیگری توهین کرد، مجازات شود. حال آن که در ماده ۷ مجازات توهین تشدید شده در حالی که نیازی به آن نبود. در ماده ۳۷ مجازات، شرایط تعلیق و تخفیف مجازات را داریم که نگاه می‌کند به شرایط متهم در حین جرم و دست قاضی را در دادن حکم باز می‌گذارد، تا بتواند حکمی متناسب با شرایط صادر کند. این در حالیست که ماده قانونی دست قاضی را به‌طور کامل بسته است.»

او ادامه می‌دهد: «در این ماده جرم، جرم عمومی محسوب شده و با گذشت شاکی خصوصی جنبه عمومی جرم از بین نمی‌رود.» ترکی همدانی در خصوص این که گفته می‌شود، افراد از ماده ۷ قانون سواستفاده خواهند کرد هم می‌گوید: «این دغدغه مطرح بوده و جدی است اما باید به این نکته هم توجه کرد که در قوانین جزایی دلایل اثبات یک موضوع پنجگانه است و باید ادعا ثابت شود. اقرار، سند، شهادت شهود، علم قاضی و قسم، پنج راه اثبات ادعاست. به این راحتی نمی‌توان از کسی شکایت کرد. اما دغدغه سوءاستفاده مطرح است و باید به آن توجه کرد.» به این ترتیب تاکنون هفت ماده از مواد طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان منکر تصویب شد، طرحی که از روزهای نخست، موافقان و مخالفان بسیاری را با خود همراه کرد و درنهایت مواد آن یک به یک مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت و در روزهای آینده مواد دیگر طرح هم به تصویب خواهد رسید.

خبر

در نشست وزیر دفاع و رئیس سازمان محیط‌زیست مطرح شد

توقف توزیع سلاح شکاری در ایران

شهروند| وزیر دفاع در نشست مشترک سازمان محیط‌زیست و وزارت دفاع از توقف توزیع سلاح شکاری در داخل کشور و نظارت بر توزیع واردات این نوع سلاح خبر داد. معصومه ابتکار در این نشست که به میزبانی سازمان حفاظت محیط‌زیست برگزار شد با اشاره به فعالیت‌ها و نقش حفاظتی ۲ دستگاه گفت: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح حفاظت از عرصه سرزمینی و کشور و هموطنان و سازمان حفاظت محیط‌زیست دفاع از عرصه طبیعت و محیط‌زیست و حق بهره‌مندی مردم از آب و خاک و زندگی سالم را برعهده دارد. معاون رئیس جمهوری با تأکید بر شباهت ماهوی فعالیت ۲ دستگاه در حفاظت و دفاع اظهار داشت: همکاری بین ۲ دستگاه می‌تواند اثرات بسیار مثبتی در فعالیت‌ها و وظایف ۲ دستگاه داشته باشد. رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست افزود: با توجه به صراحت بیانات و بخشنامه‌های مقام معظم رهبری در خصوص ضرورت رعایت ضوابط و مقررات حوزه محیط‌زیست از سوی نیروهای مسلح که در اصل بیان نقشه راه از سوی ایشان برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این خصوص است. سین دهقان وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح نیز با بیان این که حفظ محیط‌زیست و توجه به مسائل این حوزه از اصول وی در حوزه اداره وزارتخانه مطبوعه خود است، گفت: بر همین اساس تمام همت من و همکارانم بر این است که صنایع آلاینده این دستگاه را حتی از حاشیه شهرها هم خارج کنیم و علاوه بر آن تمام ملاحظات زیست‌محیطی را نیز در فعالیت‌های خود در نظر بگیریم. او افزود: به همین دلیل بود که توزیع سلاح شکاری در داخل کشور را متوقف کردیم و کنترل و نظارت خود بر توزیع و واردات این نوع سلاح را در کشور افزایش دادیم.

یادداشت

روز جهانی غذا، تقدیر یا تخریب

سعید نسیمی |

صبح چهارشنبه به‌عنوان مدیر بخش خصوصی در همایش روز جهانی غذا در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی شرکت کردم. با توجه به همایش‌های سال‌های گذشته، ذهنیتم این بود که از دست‌اندرکاران صنعت غذا که بار ۱۵ درصد اشتغالزایی و ۳ درصدی تولید داخلی را بر دوش می‌کشند، تجلیل می‌شود. اما این خوشبینی خیلی طول نکشید چرا که وقتی متولیان و دست‌اندرکاران بخش بهداشت و سلامت کشور از جمله وزیر محترم بهداشت، معاون غذا و دارو و رئیس کمیسیون بهداشت مجلس پشت تریبون رفته و داد سخن راندند، یک لحظه گمان کردم در جلسه محاکمه صنعت غذا نشسته‌ام.

متاسفانه یک بار دیگر «محصولات کشاورزی و غذایی تولید داخل سراسر زیان‌بار و سرطان‌زا و غیربهداشتی و مخرب سلامت جامعه است.» ترجیع‌بند سخنان مسئولان شد و درنهایت مردم به‌عنوان مقصر معرفی شدند؛ چه آنان که تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و مواد غذایی‌اند به جرم تولید و چه آنان که مصرف‌کننده‌اند به جرم عدم دقت در خرید. این وضع تاحدی آزاردهنده شد که سرانجام وزیر بهداشت را به واکنش واداشت و وی در بخشی از سخنانش به چنین رویکردی انتقاد کرد.

به هر حال از ذهنیت اشتباه! بنده در خصوص همایش روز جهانی غذا که بگذریم، به‌عنوان کسی که بیش از دو دهه در عرصه صنایع غذایی فعالیت دارم از متولیان پروژه «غذاهراسی» سوالاتی دارم که در ذیل آمده است. امیدوارم به این پرسش‌ها با نگاه سیاسی‌نگریسته‌نشود.

۱- آیا دوستان گمان نمی‌کنند نهضت مواد غذایی هراسی که با هر نیتی (اعم از دلسوزانه یا...) به راه انداخته‌اند هیچ خروجی جز تضعیف صنایع داخلی، گرایش به مصرف کالاهای مشابه وارداتی، تضعیف صادرات، تشدید بحران اشتغال و... ندارد؟ آیا بهتر نیست اگر تخلفی مشاهده می‌شود به جای برخوردهای پوپولاریستی، با نگاه علمی-تخصصی و با روش‌های کارشناسی اولا ریشه‌یابی شده که از تکرار آن پیشگیری شود و ثانیا با متخلف برخورد قانونی و منصفانه و به‌دور از هیجان صورت پذیرد؟

۲- جای سوال جدی است که چرا همواره بخش‌های دولتی و نهادهای دست اندرکار دولتی نظیر وزارت بهداشت، اداره استاندارد، وزارت صنعت و... به جای پاسخگو بودن در این موارد انگشت اتهام را متوجه بخش خصوصی و مردم می‌کنند؟

چرا به جای فرافکنی پاسخ نمی‌دهند که اگر صنعت غذا از نظر ایمنی و بهداشت دچار مشکل است چرا تاکنون اقدامات پیشگیرانه به‌عمل نیاورده‌اند، استانداردهای مطلوب تدوین نشده، نظارت‌های شایسته به‌عمل نیاورده‌اند و حال که وضع - به زعم آقایان - نگران کننده است چرا بابت قصور و تقصیرهای خود از جامعه عذرخواهی نمی‌کنند؟ چرا اشکالات خود را بر عهده نمی‌گیرند. چرا مسببان این معضلات توبیخ و به افکار عمومی معرفی نمی‌شوند؟

۳- وزارت بهداشت و کمیسیون بهداشت و درمان مجلس مسئولیت سلامت جامعه را برعهده دارند و سلامت روانی جامعه نیز بخش مهم این وظیفه است. آیا تهدید سلامت روانی و بازی با اعصاب مردم و تزریق نگرانی به مردم در راستای این رسالت است؟ آیا این که هر روز به بهانه‌ای اعلام کنیم که محصولات کشاورزی و غذایی مضر است و زیان‌بار و سرطان‌زاست، دردی را از جامعه درمان می‌کند؟ آیا باید از مواردی چون سلامت و بهداشت و صنعت و ایمنی مواد غذایی جهت تنظیم نطق‌ها و بیانیه‌هایی که تنها در زمان رقابت‌های انتخاباتی کارکرد دارد، استفاده ابزاری کنیم؟ ۴- پرواضح است این نوشتار درصدد دفاع از متخلفان معدود صنعت غذا نیست که عمیقا معتقدم برخورد اصولی، صحیح، قانونی، منصفانه و از مسیر منطقی و علمی و کارشناسی با متخلف، موجب تقویت صنعت خواهد شد. طبیعی است که در ۱۲۰۰۰ واحد صنعتی فعال به‌هرحال تخلفاتی هم روی می‌دهد که قانون راه برخورد با آن را پیش‌بینی کرده‌است.

خبر

پاکسازی جنگل، دریا به دست کارتن‌خواب‌های بهبودیافته

شهروند| سال‌هاست که خبر جرم و جنایت مبتلایان به اعتیاد و کارتن‌خوابی تیتر یک اخبار است، بسیاری از ما وقتی در حال عبور از خیابان‌ها با یکی از کارتن‌خواب‌ها مواجه می‌شویم فاصله‌مان را بیشتر می‌کنیم تا آسیبی از سوی آنها متوجه ما نشود، اما این‌بار حکایت‌شان، حکایت متفاوتی است. این‌بار پاک‌شدگان از اعتیاد، کمر همت بسته‌اند تا جنگل، دریا و اطراف حرم امام هشتم را به شکرانه پاکی و پاک ماندنشان از فیلتر سیگار و زباله پاک کنند. خبرهای دیروز حکایت از دست‌هایی داشت که با آلودگی دیروزشان خداحافظی کردند و با امام ضمانت و مهربانی عهد پاکی بسته‌اند و پس از آن به رسم سه‌شنبه‌های طلوع، آیین مهرورزی را همزمان با تهران در مشهد برپا کردند و کارتن‌خواب‌های مشهد را به نیت شفا و بهبودی از اعتیاد و افیون، میهمان مهرورزی کردند و امروز جنگل‌های گلستان به‌دست کارتن‌خواب‌های بهبودیافته از اعتیاد طلوع از فیلتر سیگار و زباله پاک شد. دریای مازندران امروز میزبان دستان پاک‌شدگان «طلوع بی‌نشان‌ها» می‌شود تا با دستان مهربان و قدم‌های استوارشان پاکی را به ساحل بابلسر هدیه کنند.